

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٥٩٨٤٤



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دوره تحصیلات تکمیلی

مبارزه نظامی یکجانبه آمریکا با تروریسم بعد از یازده سپتامبر و

دگرگونی در روابط امنیتی آن کشور با اتحادیه اروپا

نگارش

مهدی نجاریان

استاد راهنما

جناب آقای دکتر قاسم افتخاری

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محمدرضا تخشید

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته روابط بین الملل

تابستان ۱۳۸۸

۱۳۸۹/۳/۱۱

دفتر اطلاعات مرکز علمی پژوهش
تهران

۱۳۶۸۴۳



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دوره تحصیلات تکمیلی

مبارزه نظامی یکجانبه آمریکا با تروریسم بعد از یازده سپتامبر و

دگرگونی در روابط امنیتی آن کشور با اتحادیه اروپا

نگارش

مهدی نجاریان

استاد راهنما

جناب آقای دکتر قاسم افتخاری

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محمدرضا تخشید

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته روابط بین الملل

تابستان ۱۳۸۸



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی روابط بین الملل
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: مهدی نجاریان خلیل آباد

در رشته : روابط بین الملل : گرایش :

با عنوان : مبارزه نظامی یکجانبه آمریکا با تروریسم بعد از ۱۱ سپتامبر و دگرگونی در روابط امنیتی آن کشور با اتحادیه اروپا

را در تاریخ : ۸۸/۷/۱۸

به عدد	به حروف
۱۸	هجده

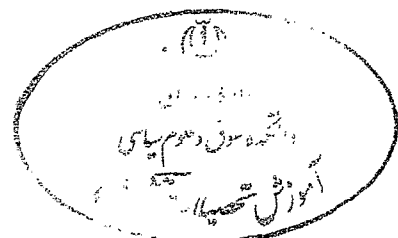
با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر قاسم افتخاری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محمدرضا تخشید	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر حمیرا مشیرزاده	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر قاسم افتخاری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



چکیده

پس از فروپاشی کمونیسم و به خصوص حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر شاهد آن هستیم که روابط ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت موجود در نظام بین الملل با سایر کشورهای جهان دستخوش تغییراتی شده است. ایالات متحده از پذیرش هرگونه محدودیت سیاسی در اقدامات خارجی خود امتناع ورزیده و هرگاه که قوانین، هنجارها و محدودیت های بین المللی با منافع و اهدافش منطبق نباشند آنها را نادیده می گیرد. این تحول در سیاست خارجی ایالات متحده واکنش جدی از سوی اروپا به عنوان متحد آمریکا پس از جنگ دوم جهانی را موجب گشته و کار را به مشاجرات لفظی و اتهامات متقابل از سوی مقامات درجه اول دو طرف کشانده است. چنانکه این امر در جریان مبارزه علیه تروریسم، بحث محور شرارت و بحران عراق کاملاً مشهود بوده است. درحالی که در زمینه نحوه برخورد با معضل تروریسم، اروپائیان، تروریسم را یک معضل سیاسی جهانی دانسته و بر استراتژی های غیر نظامی در برخورد با آن تاکید می کنند؛ آمریکائیان راه حل را اساساً در اتخاذ اقدامات نظامی جهت نابود کردن این شبکه ها می بیند.

این دو سوئی و دوگانگی در روابط فرآتلانتیکی تنها به قلمرو اقتصادی- سیاسی محدود نشده و به قلمرو دفاعی- نظامی نیز تسری یافته است. ایالات متحده پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر رهبری، اجرا و کنترل عملیات های نظامی ضد تروریستی را خود به تنهایی در دست گرفته و همانگونه که در جنگ افغانستان و عراق شاهد آن بودیم به هیچ یک از متحدین اروپایی خود (به جز بریتانیا)، اجازه مذاکره نداده است. این رویکرد در سیاست خارجی آمریکا، اروپائیان را به شدت غافلگیر و سرخورده کرده است و پایه های روابط فرآتلانتیکی را که برای بیش از ۵۰ سال به عنوان تنها مدل مشروع برای نظارت بین المللی تداوم داشته، تضعیف کرده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، امنیت، تروریسم، یکجانبه گرایی، یازده سپتامبر، اتحادیه اروپا

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲۱	کلیات و مبانی نظری
۲۲	کلیاتی درباره روابط میان آمریکا و اتحادیه اروپا
۲۸	فصل اول: روابط امنیتی اروپا و آمریکا
۲۹	جهت گیری های سیاست خارجی آمریکا
۳۵	رابطه امنیتی - دفاعی اتحادیه اروپا و آمریکا در دهه ۹۰
۴۱	دولت کلیتون و روابط امنیتی - دفاعی با اتحادیه اروپا
	فصل دوم: هژمونی و تئوری ثبات مبتنی بر سیطره و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی آمریکا
۴۵	در چارچوب این نظریه
۵۱	مکانیزم های استمرار و تداوم نظام هژمونی
۵۴	بیان نظرات طرفداران افول و بقای نظام هژمونی
۵۶	انگیزه های هژمونی آمریکا
۶۰	فصل سوم: تجزیه و تحلیل جایگاه اتحادیه اروپا در نظم نوین
۶۶	فصل چهارم: تحلیل سیاست ایالات متحده و اتحادیه اروپا در خاورمیانه
۷۰	نتیجه گیری
۷۲	بهره دوم: روش های متفاوت اتحادیه اروپا و ایالات متحده در برخورد با تهدیدات
۷۳	فصل اول: روریسم
۸۰	فصل دوم: سلاح های کشتار جمعی
۸۷	فصل سوم: مناقشه خاورمیانه
۹۳	نتیجه گیری
۹۷	بهره سوم: پایان جنگ سرد و فروپاشی کمونیسم
۹۸	مقدمه
۱۰۰	فصل اول: بررسی روندها و گرایش های فکری دو سوی آتلانتیک
۱۰۱	اروپا گرایی
۱۰۳	آتلانتیک گرایی

۱۰۶	توسعه هویت دفاعی و امنیتی اروپایی
۱۰۸	فصل دوم: تأثیر رقابت های تجاری و اقتصادی در چالش های امنیتی - دفاعی آتلانتیکی
۱۱۷	نتیجه گیری
۱۱۹	بهره چهارم: مبارزه نظامی یکجانبه آمریکا با تروریسم بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
۱۲۰	مقدمه
۱۲۲	فصل اول: تأثیر حوادث یازده سپتامبر در استراتژی امنیتی ایالات متحده
۱۲۶	روابط امنیتی - دفاعی اروپا و آمریکا بعد از یازده سپتامبر
۱۲۷	میزان سطح تحمل بی ثباتی های بین المللی آمریکا و اتحادیه اروپا
۱۳۱	میزان قدرت در سطح تحمل بی ثباتی ها
۱۳۴	فصل دوم: اتحادیه اروپا و آمریکا: تعریف و پاسخ به تهدید
۱۳۷	فصل سوم: بحران عراق؛ واکنش آمریکا و اتحادیه اروپا
۱۴۶	نتیجه گیری
۱۴۷	نتیجه گیری کلی
۱۵۵	فهرست منابع

مقدمه

مقدمه

تاریخ اروپا تا پایان جنگ جهانی دوم، تاریخ برخورد اقوام و ملل اروپایی با یکدیگر است. از سال ۱۹۴۵ به بعد، اروپایی‌ها خود را در محاصره و فشار دو ابرقدرت یافتند. در شرق، اتحاد جماهیر شوروی با تفکر ضد سرمایه‌داری و مبارزه با طرفداران آن و در سوی دیگر آمریکای برخاسته از میان جنگ جهانی اول و دوم و اندیشه‌ای که ریشه در اعلامیه استقلال آمریکا داشت، مسئولیت اداره یک حکومت جهانی را در نظر داشت. اروپا بعد از جنگ جهانی دوم از میان دو راه، برای مصون ماندن از شر شوروی به سمت ایالات متحده سوق پیدا کرد.^۱

روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده طیف گسترده‌ای از روابط نظامی، اقتصادی و سیاسی را شامل می‌شود. در زمینه‌ی نظامی، حضور امنیتی ایالات متحده در اروپا در سازمان ناتو خلاصه شده که در طول جنگ سرد با توجه به نیازهای امنیتی متقابل اروپا و ایالات متحده شاهد بودیم که ناتو از طرف کشورهای اروپایی نیز به عنوان مهمترین سازمان تأمین‌کننده‌ی امنیت مطرح می‌شد ولی امروزه تعدادی از کشورهای اروپایی سعی در تشکیل نیروی نظامی واکنش سریع دارند که ایجاد چنین نیرویی به منزله‌ی تحقق بخشیدن به استراتژی امنیتی و دفاعی مشترک اتحادیه اروپا و کاهش وابستگی نظامی این اتحادیه به ناتو محسوب می‌شود و ایالات متحده نیز از طریق ایجاد نیروی واکنش ناتو سعی در ممانعت از استقلال نظامی اروپا دارد.^۲

1- Peggy Noonan, "The Right Man for the Times", The Wall Street Journal, (30 Jun 2003) pp 6-7.

۲- سمیه رحمانی و اعظم والی پور، «رویکرد آمریکا به سیاست دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپا»، در علی فلاحی (تدوین)، کتاب اروپا (۴) ویژه روابط اروپا و آمریکا، (تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳) صص ۱۲۳-۱۶۲، ص ۴۰.

در حمله ایالات متحده به افغانستان چون افغانستان تحت پوشش امنیتی ناتو نبود و بعلاوه آمریکا در تکاپو بود تا هر چه زودتر جلوی یک حمله مشابه یازده سپتامبر در آینده را بگیرد، در چنین شرایطی تلاشی برای جلب موافقت اعضای ناتو انجام نداد و بطور یکجانبه مدیریت عملیات در افغانستان را بر عهده گرفت.

بعد از رویداد یازدهم سپتامبر شاهد آن هستیم که روابط ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت موجود در نظام بین الملل با سایر کشورهای جهان دستخوش تغییراتی شده است. ایالات متحده (برای مثال در بحران عراق) از پذیرش هرگونه محدودیت سیاسی در اقدامات خارجی خود امتناع ورزیده و هرگاه که قوانین، هنجارها و محدودیت‌های بین المللی با منافع و اهدافش منطبق نباشند آنها را نادیده می‌گیرد.^۱ این تحول در سیاست خارجی ایالات متحده واکنش جدی از سوی اروپا به عنوان متحد آمریکا پس از جنگ دوم جهانی را موجب گشته و کار را به مشاجرات لفظی و اتهامات متقابل از سوی مقامات درجه اول دو طرف کشانده است^۲، چنانکه این امر در جریان مبارزه علیه تروریسم، بحث محور شرارت و بحران عراق کاملاً مشهود بوده است.^۳

در زمینه زیست محیطی دولت بوش به ویژه پس از یازده سپتامبر به نظر می‌رسد که از یکجانبه‌گرایی حمایت می‌کند. برای نمونه رویکرد یکجانبه را در مخالفت با پیمان کیوتو می‌توان شاهد بود که بدون مشورت با متحدین اصلی خود و با توجه به سیاست‌های داخلی دست به چنین اقدامی زد. ایالات متحده پایبندی به این پیمان را مانع توسعه اقتصادی و تجاری خود تلقی می‌کند.

۱- مصطفی زهرانی، «یازده سپتامبر، جهانی شدن و برتری طلبی آمریکا»، روندهای جدید بین المللی، (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۴)، ص ۳.

۲- عباس خلجی، «رویکرد سیاست خارجی آمریکا به تروریسم»، فصلنامه سیاست دفاعی؛ (سال یازدهم، شماره ۴۴، پائیز ۱۳۸۲)، ص ۱۲۵.

۳- آمیتا وآچار بار، امنیت و مطالعات امنیتی پس از یازده سپتامبر، ترجمه نادر پورآخوندی، (تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳)، صص ۸-۹.

در زمینه سیستم‌های دفاع موشکی جرج بوش در ماه می سال ۲۰۰۱ اعلام کرد که دولت ایالات متحده در راستای دفاع در برابر تهدیدات احتمالی موشکی و در جهت تضمین امنیت ملی ایالات متحده، حتی از سوی کشورهای که به رغم ایالات متحده خطرات عمده ای برای این کشور نیستند، کاملاً مصمم است. بوش با اعلام خروج از هرگونه تعهد بین المللی فرا روی این امر، بیان داشت که بدین منظور باید از محدودیت‌های معاهده موشک‌های ضد بالستیک که رابطه براساس بی‌اعتمادی و آسیب‌پذیری متقابل را دایمی میسازد، خارج شد. ایالات متحده سرانجام در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ با ارسال یادداشتی دیپلماتیک به روسیه، قزاقستان، اوکراین و بلاروس با اعمال ماده ۱۵ پیمان ضد موشکی بالستیک خروج خود از این معاهده را اعلام داشت.^۱

پس از نیم قرن تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل و سایر نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد در ایجاد دیوان بین المللی کیفری، دولت بوش به مخالفت با دیوان برخاست که در نهایت منجر به پس گرفتن امضاء از دیوان شد. یکی از دلایل مخالفت ایالات متحده با اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، اعمال صلاحیت بر کشورهای غیرعضو بود.^۲ بعلاوه اینکه آمریکا خواستار استثنای نیروهای نظامی از موارد این پیمان بود.

کنوانسیون ممنوعیت استفاده، ذخیره، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و انهدام آنها در ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۷ در اتاوا به امضاء رسید. یکی از کشورهایی که قبل و طی روند اتاوا به طور فعال برای تحقق تحریم مین کوشید، دولت ایالات متحده بود، ولی از امضای آن به بهانه‌های مختلف سرباز زد.^۳

1- National Defense University, "President Bush Speech on Missile Defense", Washington D.C, Available at <http://www.fas.org/unke/control/abmt/news/01050:bush.htm>. (26 December 2006).

۲- محسن ظریف کار فرد، «بررسی مبانی سیاسی و حقوقی مخالفت آمریکا با تأسیس دیوان کیفری بین المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۲، (تابستان ۱۳۸۰) صص ۵۳۹-۵۶۰.

۳- زهرا نوع پرست، «مینه‌های ضد نفر، با نگرشی بر مشکلات فراروی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ی سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۳، (پاییز ۱۳۷۹) صص ۷۹۹-۷۸۵.

در زمینه اقتصادی اتحادیه اروپا و ایالات متحده بزرگترین قطب اقتصادی دنیا بوده و دارای بیشترین روابط تجاری دو جانبه و نیز بالاترین رقم سرمایه گذاری بین یکدیگر میباشند. علیرغم روابط گسترده اقتصادی و تجاری، این دو بازیگر اختلافاتی نیز در این زمینهها دارند. همچنین اقدام ایالات متحده مبنی بر معاف کردن شرکتهای این کشور از مالیات جهت صدور کالا به اتحادیه اروپا در کنار کاهش ارزش دلار که موجب دوئل یورو - دلار با توجه به افزایش ۵۵ درصدی بهای یورو گردیده و نیز مقررات تحریمی از سوی شرکتهای آمریکایی علیه اتحادیه اروپا که از سوی سازمان تجاری جهانی غیرقانونی اعلام شده است، نگرانی اروپاییها را برانگیخته است.

اروپاییها مدعیاند نفع طلبی اقتصادی ایالات متحده از رهگذر تخفیفهای مالیاتی، کسری فراوان و نرخهای پس انداز متحرک موجب بروز عدم تعادل اقتصادی شده است. بعلاوه شرکتهای آمریکایی از اعمال قوانین ضد دامپینگ علیه محصولات شرکت های خارجی نفع میبرند. در واکنش به این اقدامات، اتحادیه اروپا به وضع عوارض به میزان پنج درصد بر کلیه کالاهای صادراتی آمریکایی مبادرت کرده است؛ چرا که روند پیشین را موجب قبضه کردن بازار اروپا توسط ایالات متحده دانسته است و همچنین اروپا قادر است براساس مجوز سازمان تجارت جهانی تحریمهایی تا ۳۱۴ میلیون یورو علیه شرکتهای آمریکایی وضع کند. این مجوز به معنای آن است که در صورت عدم تمکین واشنگتن، احتمالاً جنگ اقتصادی میان اروپا و ایالات متحده ماهها و شاید سالها ادامه یابد.^۱

این دو سوئی و دوگانگی در روابط فرآتلانتیکی تنها به قلمرو اقتصادی - سیاسی محدود نشده و به قلمرو دفاعی - نظامی نیز تسری یافته است. ایالات متحده پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر رهبری، اجرا و کنترل

۱- محمدرضا دهشیری، «مناسبات امریکا و اروپا: همسویی و ناهمسویی؟»، در علی فلاحتی (تدوین)، کتاب اروپا (۴) ویژه روابط اروپا و امریکا، (تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳) صص ۶۱-۹۳، صص ۷۲-۷۴.

عملیات‌های نظامی ضد تروریستی را خود به تنهایی در دست گرفت. این رویکرد در سیاست خارجی آمریکا، اروپائیان را به شدت غافلگیر و سرخورده کرده است و پایه‌های روابط فرآتلانتیکی را که برای بیش از ۵۰ سال به عنوان تنها مدل مشروع برای نظارت بین‌المللی، شالوده آن را تشکیل می‌داد به شدت لرزانده است.^۱

با توجه به موارد مطرح شده در مورد بحران عراق، تشکیل نیروهای چندملیتی و تقویت یکپارچگی دفاعی اروپا بدون حضور ایالات متحده و ... به وضوح مشاهده می‌شود که روابط فرآتلانتیک رو به سردی گذاشته است و این واگرایی در سطح روابط فرآتلانتیک مطلوب اروپاییها نبوده و موجب عکس‌العمل‌هایی از طرف اروپایی‌ها شده است و حال مساله ای که در اینجا مورد توجه می‌باشد علت این اختلافات و واگرایی در روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده می‌باشد که چه عواملی باعث بوجود آمدن این اختلافات، واگرایی و سردی روابط شده اند.

بررسی آثار

۱) نیکل نستو^۲ رئیس موسسه مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ در مقاله ای تحت عنوان "واکنش به آمریکا"^۳ به بحث در مورد سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا و آثار آن بر روابط میان اروپا و آمریکا پرداخته و عنوان داشته است که اتخاذ این سیاست از سوی واشنگتن ضربه محکمی بر روابط فرآتلانتیکی وارد کرده است. وی در این باره می‌گوید: «رد چند جانبه‌گرایی سیاسی، خواه مربوط به کنترل تسلیحاتی، محیط زیست، سازمان ملل یا حتی خود ناتو باشد، بدون شک بارزترین تحول در سیاست خارجی آمریکا و نگران‌کننده‌ترین

۱- مهدی رضایی، «نومحافظه کاران و مسئله مبارزه با تروریسم جهانی»، آمریکا ۴، ویژه نومحافظه کاران در آمریکا، (تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳)، ص ۳۰۹.

2- Gnesotto, Nicole
2- Reacting to America

موضوع برای متحدین اروپایی آمریکا می‌باشد. آمریکا با رد "پیمان منع جامع آزمایش های هسته ای"^۱، "پروتکل کیوتو"^۲ در زمینه تغییرات جوی و "دیوان بین المللی کیفری"^۳، هرگاه قوانین و هنجار های بین المللی با اهدافش منطبق نباشند خود را ورای آن ها قرار می دهد.^۴

۲) طاهره ابراهیمی فر در مقاله‌ای تحت عنوان منافع اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه که درپیش شماره سوم ماهنامه تخصصی علوم سیاسی چاپ شده است مطرح می کند که منطقه خاورمیانه از دیر باز یکی از مناطق پر اهمیت جهان تلقی شده است، موقعیت استراتژیک (گذرگاه ارتباط اروپا، آسیا، آفریقا) منابع اقتصادی (نفت) و زادگاه ادیان بزرگ جهان (یهودیت، اسلام، مسیحیت)، ابعاد جغرافیای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این منطقه را از دیگر مناطق جهان متمایز می کند. نویسنده با ارائه این چشم انداز، بحث خود را با اشاره به بازتاب منازعات سیاسی ناشی از دوران جنگ سرد و جهان دو قطبی آغاز می کند که به صورت رقابت های سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک در منطقه بروز کرده است. به زعم نویسنده مرحله بعدی تحولات منطقه به دنبال فرو پاشی نظام دو قطبی در جهان، حضور و نفوذ یافتن اروپای واحد در قالب «اتحادیه اروپا» در معادلات این بخش از جهان است. محوریت عناصر ژئوپلیتیک منطقه، نفت و اسلام و مبارزه با پدیده تروریسم صورتبندی های گوناگونی را هم در ارتباط با منافع اتحادیه اروپا با رقبای خود و هم در نسبت با تحولات درونی کشورهای منطقه رقم خواهد زد که از آن میان موقعیت اتحادیه اروپا در کانون بررسی این مقاله قرار گرفته است.^۵

1- Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty

2- Kyoto Protocol

3- International Criminal Court

4- Nicole Gnesotto, "Reacting to America", *Survival*, (Volume 44, Issue 4 February 2002), pages 99 – 106.

۵- طاهره ابراهیمی فر، «منافع اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه»، ماهنامه تخصصی علوم سیاسی، پیش شماره سوم.

۳) نوام چامسکی در کتابی با عنوان "یازده سپتامبر"^۱ با یک دید انتقادی به تحلیل واکنش کشورهای اروپایی و آمریکایی در مبارزه با تروریسم بین الملل و تاثیر این نوع واکنش ها در روابط متقابل طرفین پرداخته است. این کتاب در بردارنده مباحث نزدیکی با موضوع مورد بررسی پایان نامه حاضر است. تحلیل نوام چامسکی از نقاط توافق و تعاملات و همچنین افتراقات اتحادیه اروپا و آمریکا در مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی از مهمترین بخش های کتاب حاضر است که می تواند به عنوان یک منبع ثانویه و توصیفی در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار بگیرد.

۴) ماری باکلی^۲ و روبرت سین^۳ در کتابی با عنوان "دکترین بوش و جنگ با تروریسم"^۴ عمدتاً به مباحث سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در زمان بوش پرداخته اند. در این کتاب مباحث مربوط به تروریسم از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بررسی جایگاه تروریسم در دکترین های امنیتی کشورهای مختلف اروپایی و نقش این دکترین های ملی در روابط متقابل اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم بین الملل از مهمترین مباحث کتاب حاضر می باشد. بررسی جایگاه مبارزه با تروریسم از دیدگاه منافع متقابل از دیگر مباحث این کتاب است.

۵) رابرت کگان^۵ در مقاله ای با عنوان "قدرت و ضعف"^۶ چنین نتیجه گیری می کند که ایالات متحده و اروپا به دلیل توانایی های نظامی متفاوت و فلسفه های متفاوت نسبت به قدرت، دیگر دیدگاه مشترکی نسبت به جهان نداشته و این امر یک پدیده موقت و گذرا در روابط فرآتلانتیکی نمی باشد. وی مقاله ای خود را این گونه آغاز می کند که: «زمان آن فرا رسیده است تا دیگر وانمود نکنیم اروپائیان و آمریکائیان دارای جهان بینی های

۱- نوام چامسکی، یازده سپتامبر، ترجمه ضیا خسروشاهی، تهران: درس، ۱۳۸۳.

2 - Mary Buckley

3 - Robert Singh

4 - Mary Buckley and Robert Singh, The Bush Doctrine and the War on Terrorism, Global Responses, Global Consequences, (London: Routledge, 2006).

5 - Robert Kagan

6- Power and Weakness

مشترک بوده و یا حتی در یک جهان قرار دارند. در مورد مسئله قدرت - کارآیی قدرت، اخلاقیات قدرت، مطلوبیت قدرت - رهیافت های اروپایی و آمریکایی در حال واگرایی است. اروپا در حال گذر از قدرت به سمت جهانی خودکفا از قوانین و قواعد مذاکره و همکاری فراملی است. اروپا در حال ورود به بهشت تاریخی از صلح و رفاه نسبی یعنی تحقق "صلح دائمی" کانت است. در حالیکه ایالات متحده در منجلاب تاریخ فرومانده و به اعمال قدرت در جهان آنارشیک هابزی می پردازد که در آن قواعد و قوانین بین المللی غیرقابل اتکا بوده و امنیت حقیقی و دفاع و اعتلای نظام لیبرال هنوز بستگی به دارایی و کاربرد قدرت نظامی دارد.^۱

۶) جیمز چیس^۲ نیز واشنگتن را به عدول از مواضع پیشین خود مبنی بر چندجانبه گرایی متهم کرده است. او در مقاله ای تحت عنوان Present at the Destruction می گوید: «نتیجه نهایی جنگ عراق هر چه باشد، حمله به نهادهای بین المللی و لحن متکبرانه نسبت به متحدین آمریکا از سوی رئیس جمهور و مشاورین نزدیک وی نشان از تولد مجدد یکجانبه گرایی آمریکا دارد. این امر تعهد بین المللی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم که طی ۴۵ سال جنگ سرد تداوم داشته است را معکوس ساخته است. مسأله فوق مطمئناً شاخص ترین انحراف در سیاست خارجی آمریکا پس از ملاقات فرانکلین روزولت با وینستون چرچیل در رزمنو Prince of Wales در نزدیکی بندر نیوفاندلند در آگوست ۱۹۴۱ می باشد. در حالیکه شکاف میان آمریکا و اروپا در ماهها و هفته های قبل از حمله به عراق به رهبری آمریکا عمیق تر می شده است، دونالد رامسفلد وزیر دفاع پیشین آمریکا، آلمان و فرانسه را «اروپای کهنه» و اعضای بالقوه و جدید اتحادیه اروپا همچون لهستان و

1- Robert Kagan, "Why the United States and Europe see the World Differently", Policy Review, Available at <http://www.hoover.org/publications/policyreview/3460246.html>

2 - James Chase

جمهوری چک را «اروپای جدید» نامید. با این گونه تقسیم بندی اروپا، رامسفلد به خوبی موفق به تشدید تنش در درون اتحادیه اروپا و همچنین کشاندن روابط به مرز قطع شدن یک اروپای متحدتر با آمریکا شده است.^۱

۷) عبدا... مولایی در مقاله «دورنمای مناسبات اروپا و آمریکا در جهان بعد از یازده سپتامبر» به تشریح سیاست خارجی ایالات متحده در دوره بعد از جنگ سرد پرداخته و سیاست خارجی ایالات متحده در دوره حاکمیت دموکراتها و جمهوریخواهان را به تصویر میکشد و سپس به بیان این مطلب میپردازد که یکجانبه-گرایی ایالات متحده موجب شده است تا اروپاییها از دو گزینه‌ی پذیرش الزامات جهانی هژمونی ایالات متحده و تبدیل شدن به متحدی پیرو به امید اعمال نفوذ و اثرگذاری حاشیه‌ای به جهت‌گیری سیاست خارجی واشنگتن و یا تلاش برای ایجاد توازن و تعادل و برابری‌جویی در مناسبات آتلانتیکی از رهگذر تبدیل اتحادیه به مرکز قدرت رقیب ایالات متحده یکی را برگزینند، و در بخش پایانی نویسنده به این موضوع میپردازد که اروپا دیگر الزاماً متحد تمام عیار ایالات متحده نبوده بلکه به پیروی از منافع خاص خود در سیاست و اقتصاد جهانی از رهگذر نیل به شخصیتی مستقل میاندیشد که ضرورتاً همواره به هماهنگی با ایالات متحده نمیانجامد. اروپاییها ضمن ابراز ناخرسندی از سیاست‌های هژمونیک ایالات متحده در عرصه‌ی بین‌المللی، تمایل خود را به جایگزینی چندجانبه‌گرایی و نظام چند قطبی به جای یکجانبه‌گرایی و نظام تک-قطبی آشکار ساخته اند.^۲

علیرغم مطالبی که در این مقاله به آنها اشاره شد باید به این مساله توجه شود که اتحادیه اروپا و ایالات متحده دارای روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای هستند که تا حدودی از شکاف گسترده‌ی بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده جلوگیری می‌نماید.

1- James Chace, "Present at the Destruction: The Death of American Internationalism", World Policy Journal, (Volume XX, No 1, spring 2003).

۲- عبدا... مولایی، «دورنمای مناسبات اروپا و آمریکا در جهان بعد از ۱۱ سپتامبر»، مجله سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۴، (زمستان ۱۳۸۰)، صص ۱۰۵۷-۱۰۳۷.

در مجموع می توان نتیجه گیری کرد که وقوع حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از اهمیت بالایی در بدو ورود بشر به هزاره سوم در تعیین دورنمای روابط قدرت ها برخوردار بوده است و بسیاری از اندیشمندان آن را نقطه‌ی عطفی در تاریخ روابط بین الملل می دانند. بنا به اهمیت این موضوع اندیشمندان زیادی علاقمند به خلق و نگارش آثاری در این زمینه بوده اند. بازتاب این حوادث در روابط فراآتلانتیکی نیز یکی از بخش های جذاب این سناریو بوده است که اندیشمندان زیادی را به تعمق واداشته است و در قسمت بالا اشاره ای گذرا بر بعضی از آثاری که طی سال های اخیر به رشته تحریر در آمده اند شد. عمده نکاتی که در این آثار قابل ذکر است بحث بر سر چگونگی روابط اروپا و آمریکا، نحوه رفتار آنها در جریان حمله به افغانستان و حمله یکجانبه آمریکا به عراق و منافع طرفین در منطقه خاورمیانه است که علیرغم جامعیت این مطالب، به نظر می رسد هنوز جا برای مباحثی از قبیل تحلیل نظری دلایل عدم دخالت عمده کشورهای اروپایی در جنگ عراق و دگرگونی روابط امنیتی اروپا و آمریکا وجود دارد که پژوهش حاضر در صدد پوشش این خلأ می باشد.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر تبیین روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده و عواملی است که در روابط فراآتلانتیک موثرند. زیرا مناسبات میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده نه تنها برای این دو بازیگر بلکه برای سایر کشورها و بازیگران بین المللی که از روابط دو بازیگر تأثیر می پذیرند، حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و با این پژوهش امیدواریم در زمینه‌ی سیاست خارجی و نوع روابط با این دو قدرت بزرگ بین المللی مسائل مطرح شده لحاظ و بکار گرفته شود.

متغیرهای دخیل

با توجه به سوال مطرح شده ۳ متغیر را می‌توان در دگرگونی روابط امنیتی اتحادیه اروپا با ایالات متحده آمریکا ذکر کرد:

۱- روش‌های متفاوت برخورد با تهدیدات

با توجه به نقش روش‌های برخورد با تهدیدات در تصمیم‌گیری و رفتارهای بازیگران، اگر روش‌های برخورد با تهدیدات یکسان باشد شاید همکاری و در نتیجه همگرایی در بین بازیگران صورت گیرد و در مقابل روش‌های متفاوت برخورد با تهدیدات منجر به عدم همکاری و واگرایی میشود. بنابراین روش‌های متفاوت اتحادیه اروپا و ایالات متحده در برخورد با تهدیدات باعث ایجاد واگرایی در روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده شده است.

۲- پایان جنگ سرد و دگرگونی ساختاری در نظام بین‌الملل

با پایان جنگ سرد ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل دچار تغییر شد و نتیجه آن ظهور آمریکا به عنوان ابرقدرتی بی‌رقیب در صحنه نظام بین‌الملل بود. با فروپاشی کمونیسم و از بین رفتن دشمن مشترک اتحادیه اروپا به سمت بازتعریف روابط امنیتی خود با سایر کشورها قدم برداشت. چنانکه بحث گسترش اتحادیه اروپا، پول واحد، ایجاد نیروی واکنش سریع و سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپا مطرح و پیگیری شد. با این شرایط اتحادیه اروپا به سمت استقلال نسبی از ایالات متحده در موضوعات مربوط به سیاست خارجی و امنیت حرکت کرد.

۳- حادثه یازدهم سپتامبر و ظهور ابعاد جهانی تهدید تروریسم

بعد از رویداد یازدهم سپتامبر شاهد آن هستیم که روابط ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت موجود در نظام بین‌الملل با سایر کشورهای جهان دستخوش تغییراتی شده است. با حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بسیاری در داخل و خارج از ایالات متحده امیدوار بودند که دولت بوش در مواجهه با مسائل امنیتی به صورت چند

جانبه اقدام نماید. با وجود این، دولت بوش همکاری بر حسب مورد را مورد توجه قرار داده و با توجه به حملات تروریستی مستقیم به ایالات متحده، اقدام یکجانبه نظامی را به عنوان روش مناسبتری نسبت به سایر روشها در نظر داشت.

یکی از مهمترین اقدامات یکجانبه ایالات متحده در دولت اول جرج واکر بوش و پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ اقدام نظامی یکجانبه علیه عراق بود که مخالفت‌های گسترده‌ای را در عرصه جهانی و به‌ویژه اروپا ایجاد کرد. بحران عراق و اقدامات یکجانبه ایالات متحده برای حل و فصل این بحران موجب ایجاد اختلاف در مواضع کشورهای اروپایی برای پاسخگویی به این اقدام گردید و همچنین روابط فرآتلانتیک را با چالش‌های جدی مواجه ساخت که نمود آن را می‌توان در سنگ‌اندازی و ممانعت از اقدامات یکجانبه ایالات متحده در قوانین و نهادهای بین‌المللی همچون ناتو، سازمان ملل و دفاع مشروع و اقدام پیشدستانه مشاهده نمود. اختلافاتی که به اعتقاد هنری کیسینجر عمیق‌ترین بحران در روابط فرآتلانتیک از زمان تشکیل اتحادیه اروپا بوده است.

فرضیه‌ها

۱- روش‌های متفاوت برخورد با تهدیدات علت اصلی دگرگونی روابط امنیتی ایالات متحده با اتحادیه اروپا است.

۲- پایان جنگ سرد و فروپاشی کمونیسم علت اصلی دگرگونی روابط امنیتی ایالات متحده با اتحادیه اروپا است.

۳- مبارزه نظامی یکجانبه آمریکا با تروریسم بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علت اصلی دگرگونی روابط امنیتی اتحادیه اروپا با ایالات متحده آمریکا است.